

نقش ایران در انتقال انرژی آسیای مرکزی

شهرام کالچی



یکی از پیامدهای مهم بحران آگوست ۲۰۰۸ میلادی در قفقاز (مناقشه اوستیای جنوبی و آبخازیا در گرجستان) طرح مجدد مساله امنیت انتقال ذخایر عظیم انرژی حوزه آسیای مرکزی و قفقاز به ویژه حوزه دریای خزر به بازارهای جهانی است. این نوشتار ضمن اشاره به مسیرهای خطوط انتقال انرژی به مهمترین فرصت‌ها و ظرفیت‌های ایجادشده در پی بحران قفقاز برای ایران در موضوع انرژی می‌پردازد.

وضعیت ذخایر انرژی منطقه

حوزه دریای خزر یکی از بزرگترین منابع شناخته شده انرژی جهان است. از میان هشت کشور آسیای مرکزی و قفقاز، جمهوری‌های آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان دارای ذخایر ثابت شده ۱/۱۷ تا ۳۱/۳ میلیارد بشکه نفت و ۵۷/۶ تریلیون مترمکعب گاز می‌باشند. این مقادیر در حقیقت ۴/۲ درصد از ذخایر اثبات شده نفت و ۱/۴ درصد از منابع گاز جهانی است. ناظران ژئوپولیتیک آمریکایی، مانند جفری کمپ،

اصطلاح «بیضی استراتژیک انرژی» را با قرار گرفتن ایران در بین آن به منظور شرح موقعیت دو منبع انرژی دریای خزر و خلیج فارس، به کار می‌برند. به عقیده او این منطقه به تنهایی شامل بیش از ۶۰ درصد ذخایر اثبات شده نفت جهان می‌شود که قادر به برآوردن بیشتر تقاضای در حال رشد انرژی جهان خواهد بود. حال آن که آنسی کلبرگ منطقه را به عنوان هارتلند جدید جهان توصیف می‌کند. منابع عظیم انرژی این منطقه به عنوان منابع جایگزین انرژی خاورمیانه از اهمیت فراوانی برای جهان غرب برخوردار است و ایالات متحده همواره از آن به عنوان ابزار کنترل اوپک و نیز دولت‌های خاورمیانه بهره‌برداری نموده است.

وضعیت انتقال نفت و گاز منطقه

دور بودن بازار مصرف از منابع تولید و مساله انتقال منابع یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد انرژی جهان می‌باشد. از این رو به همان اندازه که منابع نفت و گاز حوزه خزر برای بازارهای جهانی مهم جلوه نموده است، در مقابل راه‌های انتقال این منابع نیز بسیار مهم و البته پرچالش نشان داده است. مساله انتقال منابع انرژی حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و دریای خزر به دلیل رقابت کشورهای منطقه با یکدیگر از یک سو و تلاش ایالات متحده برای انزوای ایران و روسیه از سویی دیگر موجب شده است موضوع انرژی از یک بحث صرفاً اقتصادی تبدیل به یک مساله ژئوپلیتیکی و استراتژیکی تبدیل شود. در مجموع مسیرهای فعلی انتقال انرژی این منطقه را می‌توان در چهار دسته کلی مورد ارزیابی قرار داد.

الف) مسیرهای غربی

این مسیر منابع انرژی منطقه را به دریای مدیترانه و نیز دریای سیاه منتقل می‌کند. خط لوله نفت باکو-نورسبیسک، خط لوله نفت باکو-سوپسا، خط لوله نفت باکو-تفلیس-جیهان، خط لوله نفت تنگیز-نورسبیسک، خط لوله گاز باکو-ارزروم و کنسرسیوم خط لوله خزر مهمترین خطوط انتقال انرژی از مسیرهای غربی به شمار می‌رود. علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته از سوی ایالات متحده و روسیه، تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد انتقال انرژی از مسیرهای غربی با دشواری‌های فراوانی مواجه بوده است. به عنوان مثال عبور خط لوله باکو-نورسبیسک از مناطق خود مختار و جدایی‌طلب داغستان و چچن و خرابکاری مبارزان چچنی نمونه بارز تاثیر منفی منازعات قومی بر امنیت خطوط انتقال انرژی است. خط لوله نفت باکو-تفلیس، جیهان (BTC) نیز که یکی از سیاسی‌ترین خطوطی است که با حمایت گسترده ایالات متحده برای انزوای ایران و روسیه احداث شده با مشکلات بسیاری همراه است. این خط لوله به طول ۱۰۴۰ مایل نفت آذربایجان را از باکو به گرجستان و از آن جا به بندر جیهان ترکیه در سواحل مدیترانه منتقل می‌کند. این خط لوله به همراه خط لوله گاز طبیعی باکو-تفلیس - ارزروم به دلیل عبور از مناطق جدایی‌طلب اوستیای جنوبی و آبخازیا در گرجستان بیشترین تاثیر را از بحران آگوست ۲۰۰۸ متحمل شد و ذهن بسیاری از سیاستمداران و تحلیلگران را به خود معطوف ساخت. در مجموع مسیر غربی منافی را متوجه ایران نمی‌سازد و آن

بخش‌هایی که از روسیه عبور می‌کند مانند خط لوله نفت باکو-نورسبیسک مورد حمایت روسیه و خطوطی مانند باکو-تفلیس، جیهان که از ایران و روسیه عبور نمی‌کند مورد حمایت شدید ایالات متحده است.

ب) مسیرهای شمال

خط لوله این مسیر آتیرو-سامارا به طول ۴۳۲ مایل است که از بندر آتیرو در قزاقستان شروع و به سامارا در روسیه می‌رود و از طریق خطوط داخلی روسیه به کشورهای بلاروس، لهستان و مجارستان می‌رسد. این مسیر به دلیل وابسته کردن کشورهای آسیای مرکزی به فدراسیون روسیه جذابیتی برای این کشورها نداشته و در تلاش هستند تا از مسیرهای دیگری از این وابستگی رهایی یابند.

ج) مسیرهای شرقی

خط لوله قزاقستان-سین کیانگ به طول ۶۱۳ مایل مسیر شرقی خطوط انتقال به کشور چین و بازارهای شرق آسیاست. این خط لوله باعث افزایش ضریب نفوذ چین در استفاده از منابع غنی انرژی منطقه دریای خزر شده و به رشد اقتصاد این کشور کمک شایانی نموده است.

د) مسیرهای جنوبی

مسیرهای پیشنهادی جنوبی در صورت احداث باید از مسیر ایران بگذرند. این خطوط می‌تواند منابع انرژی دریای خزر و آسیای مرکزی و قفقاز را به بازارهای خلیج فارس و دریای عمان و از آن جا به بازارهای جهانی برساند. اما علی‌رغم تایید این نکته از سوی بسیاری از کارشناسان نفت و گاز که مسیر ایران مطمئن‌ترین و ارزان‌ترین گزینه است، فشارها و مخالفت‌های ایالات متحده مانع از ایجاد چنین خطوط لوله‌ای شده است. علاوه بر خطوط انتقال نفت در مسیرهای رقیب ایران راه‌های صادرات گاز طبیعی در منطقه دریای خزر نیز با فشار سیاسی ایالات متحده در راستی انزوای ایران از یک سو و نیز سیاست‌های فدراسیون روسیه با هدف حفظ و تداوم سلطه سنتی خود بر کشورهای منطقه از مسیری غیر از ایران عبور می‌کند. از آن جمله می‌توان به خط لوله باکو-ارزروم (آذربایجان - گرجستان - ترکیه) خط لوله سنت گاز (ترکمنستان - افغانستان - پاکستان) و خط لوله مرکز آسیای مرکزی و قفقاز (ترکمنستان - ازبکستان - قزاقستان - روسیه) اشاره نمود.

انتقال نفت و گاز خزر به بازارهای جهانی از مسیر ایران

منابع نفت و گاز خزر محصور در خشکی است و جهت صدور به بازارهای مصرف به انتقال انرژی از طریق خطوط لوله کشورهای همسایه نیازمند است. از سویی دیگر جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز به دلیل نوپا بودن و فقر مالی که دارند، نیاز مبرمی به عواید ناشی از صدور این منابع جهت اجرای برنامه‌های توسعه خود دارند. به طور کلی مسیر جنوبی انتقال نفت و گاز خزر از طریق ایران با توجه به سه عامل امنیت طول مسیر و هزینه سرمایه‌گذاری جهت احداث خط لوله و حق ترانزیت نسبت به مسیرهای شمالی، شرقی و غربی جذاب‌تر و باصرفه‌تر است. ایران با دارا بودن بیش از دو هزار مایل خط ساحلی در جنوب، دسترسی مناسب و مطمئن به بازارهای جهانی را به کشورهای محصور در خشکی شمال‌آرانی می‌دارد. این



ارتباط، کوتاه‌ترین، سریع‌ترین، امن‌ترین و اقتصادی‌ترین مسیر را از منطقه خزر- آسیای مرکزی به بازارهای جهانی که شامل شبه قاره هند، ژاپن و خاور دور فراهم می‌کند به آن بخش از جهان که تقاضای آینده‌شان برای انرژی به صورت رشد مداوم برآورد می‌شود. ایران نیروی انسانی ماهر در فن‌آوری نفتی، یک سیستم حمل و نقل نسبتاً توسعه‌یافته و نیز زیرساخت‌های کشتیرانی را داراست. ایران همچنین بنادر، پالایشگاه‌ها و شبکه‌های شایان توجهی از لوله نفت و گاز را در اختیار دارد که مزیت‌های لجستیکی و فن‌آوری قابل ملاحظه‌ای را برای صادرکنندگان نفت و گاز خزر فراهم می‌نماید. این انتقال می‌تواند هم از طریق لوله‌های نفتی صورت گیرد و یا اینکه به گونه معاوضه (Swap) یعنی مصرف نفت صادراتی خزر در داخل ایران و صدور میزان مشابه از نفت ایران در جنوب به خریداران نفت صادرکنندگان خزر در جهان صورت گیرد.

سیاست ایالات متحده در قبال خطوط انتقال انرژی
در چارچوب مولفه‌های ژئوپلیتیک مهم‌ترین هدف واشنگتن بازداشتن قدرت‌های منطقه‌ای یعنی چین، روسیه و ایران و بخصوص دو قدرت اخیر از تبدیل شدن به بازیگر موثر در منطقه به طور عام و فعالیت در زمینه استحصال و انتقال نفت و گاز به صورت خاص بوده است.

در این راستا سعی آمریکا بر این بوده تا با شعار «نه شمال نه جنوب، غرب یا شرق» و با استراتژی «خط لوله چندگانه» با انتقال نفت و گاز منطقه از طریق روسیه و ایران مقابله کند.

بدون تردید، ایران به دلیل اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک در کانون سیاست خارجی واشنگتن در منطقه قرار دارد. تلاش آمریکا برای تضعیف، تخریب و حتی حذف نقش ایران، ارایه تصویری مداخله‌جویانه و تهدیدکننده از ایران به ویژه در جریان پرونده هسته‌ای، دامن زدن به اختلافات ایران با کشورهای همسایه، حمایت گسترده سیاسی و مالی از طرح‌هایی که نقش ایران را نادیده می‌گیرد و... به صورت خودکار بر روند همگرایی و ایفای نقش ایران تأثیر منفی داشته است. این امر در مساله انتقال انرژی به خوبی قابل مشاهده است.

موضوع ایالات متحده در خصوص نقش ایران در منطقه، بر این دیدگاه قاطع استوار است که در چارچوب آن هر گونه نفوذ ایران در منطقه خزر- آسیای مرکزی باید متوقف شود. در راستای پیگیری یک طرح کلی جایگزین به منظور صادر کردن نفت و گاز خزر، در مسیرهایی شامل مسیر باکو- جیحان از طریق گرجستان و ترکیه، مسیر ترکمنستان- پاکستان از طریق افغانستان، مسیر گرجستان- روسیه از طریق چین و همچنین خط لوله زیر دریا بین ترکمنستان و آذربایجان، ایالات متحده به صورت افراط‌آمیزی سرمایه‌گذاری نمود.

در این میان خط لوله باکو- جیحان را باید سیاسی‌ترین خط لوله نفت جهان و نماد حاکمیت سیاست بر اقتصاد دانست که با حمایت سیاسی و مالی گسترده آمریکا تنها به منظور حذف ایران از بازار انتقال انرژی منطقه صورت گرفته است. در این زمینه «بیل ریچاردسن» وزیر انرژی آمریکا در دولت کلینتون اعلام داشت: این پروژه تنها مساله نفت و گاز نیست، این تنها یک لوله نفتی

نیست، بلکه یک موضوع استراتژیک است. به موارد فوق نارضایتی شدید آمریکا با برنامه‌هایی چون موافقتنامه گاز ایران و ترکیه، انتقال گاز ایران به شبه قاره هند از طریق خط لوله صلح و نیز مخالفت با پیشنهاد تشکیل اوپک گازی از سوی ایران را می‌توان اضافه نمود.

نمونه اخیر سیاست ایالات متحده در قبال انتقال انرژی از مسیر ایران را باید مخالفت این کشور با پروژه انتقال گاز نابوکو دانست. در پروژه انتقال گاز «نابوکو»، گاز منطقه دریای خزر از طریق ترکیه، بلغارستان، رومانی و مجارستان به اتریش انتقال می‌یابد. این پروژه توسط کنسرن انرژی اتریش OMV پیش برده می‌شود و از طرف اتحادیه اروپا برای کاهش وابستگی گاز اروپا به روسیه، حمایت می‌شود. هزینه احداث ۳۳۰۰ کیلومتر لوله انتقال که ظرفیت جابه‌جایی ۳۱ میلیارد مترمکعب گاز دارد را ۶ میلیارد یورو تخمین زده‌اند. لوله‌گذاری و آماده کردن مسیر گاز از سال ۲۰۰۹ شروع خواهد شد و در سال ۲۰۱۳ پایان خواهد یافت.

در ژوئن ۲۰۰۶، پس از اعلام پشتیبانی دولت‌های اروپایی و ترکیه از طرح گازرسانی «نابوکو»، ایالات متحده خواهان حذف ایران از پروژه‌ی گاز «نابوکو» (Nabucco) شد.

واشنگتن خواهان جایگزین شدن ترکمنستان به جای ایران در این پروژه است. در این زمینه ماتیو بایزا (Mathew Bryza)، یکی از مقامات بلندپایه‌ی وزارت امور خارجه‌ی آمریکا که برای شرکت در یک کنفرانس انرژی به مجارستان سفر کرده است، گفت: «ما از طرح نابوکو به عنوان عنصری برای گسترش امکانات در راه تامین انرژی اروپا پشتیبانی می‌کنیم، اما فقط در صورتی که ایران در آن سهیم نباشد».

چالش روسیه با جهان غرب و فرصت‌های ایران
یکی از پیامدهای مهم رقابت‌های جدید ژئوپلیتیک بین روسیه، آمریکا و تا حدودی کمتر چین جهت کنترل و دستیابی به منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن، تبدیل انرژی به اولویت اول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روابط با کشورهای همسایه و مناطقی چون خاورمیانه و آسیای مرکزی و قفقاز است.

نمونه بارز این امر به مخاطره افتادن انتقال انرژی عظیم منطقه قفقاز و دریای خزر به بازارهای جهانی در جریان بحران آگوست ۲۰۰۸ در گرجستان است. خط لوله باکو- تفریس - جیحان مهم‌ترین خط لوله‌ای است که به دلیل عبور بخشی از آن (۵۵ کیلومتر) از منطقه جدایی‌طلب اوستیای جنوبی با خطر مواجه گشته است. خط لوله‌ای که با فشار ایالات متحده و با هدف متزوی کردن ایران کشیده شده است. در خلال بحران اخیر اقتصاد، آذربایجان طی سه هفته یک ضرر یک میلیارد دلاری را متحمل شد. وضعیت پیش آمده فرصت بزرگی پیش روی بخش انرژی ایران قرار داده است و در صورت طراحی و اجرای یک برنامه مناسب می‌توان از ظرفیت خطوط نکا- ری (برای سوآپ نفت در جنوب) و نیز خط لوله گاز نابوکو از مسیر ترکمنستان - ایران و ترکیه و نیز خط لوله گاز قزاقستان - ترکمنستان، ایران و دیگر خطوط انتقال انرژی در راستای تامین منافع ملی گام برداشت.

با توجه به این شرایط است که اروپا پس از بحران قفقاز به طور ویژه‌ای متوجه گاز ایران شده است. در حقیقت اروپا برای رهایی از وابستگی به گاز روسیه قصد دارد به منابع جدید گازی دست یابد. برخی از کارشناسان غربی از جمله ولادیمیر سوکور کارشناس «موسسه تحقیقی بنیاد جیمز تاون در واشنگتن»، سالهاست در خصوص وابستگی انرژی کشورهای اروپایی به روسیه و تأثیر سیاسی آن هشدار داده‌اند. به اعتقاد او عدم صدور گاز ایران موجب بالا رفتن بهای گاز در بازار جهانی شده است.

اتحادیه اروپا علاوه بر ایران به منابع آسیای مرکزی نیز چشم دوخته است که انتقال این منابع از ایران می‌تواند فرصت بزرگی را نصیب کشورمان سازد. در این زمینه الکساندر راهر، کارشناس شورای روابط خارجی آلمان درباره سیاست کنونی اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی اظهار داشت: «ترکمنستان برای اتحادیه اروپا اهمیت خاصی پیدا کرده است. در حال حاضر برای استخراج و صدور انرژی دریای خزر ده‌ها پروژه وجود دارد. چین، روسیه و آمریکا در کشف، استخراج و صدور انرژی منطقه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. برای اتحادیه اروپا نیز هر چند دیر وارد میدان رقابت‌ها شده ولی شانس مشارکت در پروژه‌های انرژی هست. غرب امید زیادی به تحقق طرح «ترانس خزر» دارد. با اجرای این طرح از وابستگی اتحادیه اروپا به گاز روسیه کاسته خواهد شد. اتحادیه اروپا هدفش این است که این منطقه را به سیاست‌های اروپا نزدیکتر کند.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان به این نکته اشاره نمود که ایران در کنار چالش‌های بزرگی که در بحث انتقال انرژی به ویژه در مواجهه با ایالات متحده روبه‌رو است، از فرصت‌ها و ظرفیت‌های ارزشمندی نیز برخوردار است که بخش بزرگی از آن ناشی از شروع دور جدیدی از جنگ سرد بین روسیه و جهان غرب می‌باشد. بدون تردید در صورت یک برنامه‌ریزی مناسب و هدفمند می‌توان حداکثر بهره‌برداری را در راستای تامین منافع ملی از وضعیت موجود به عمل آورد.

(کلیه منابع در دفتر ماهنامه موجود است)